

گنجی چه می گوید و چه می خواهد.

اعتماد و تحسن کارگران ریسندگی پورس سندج به شدت سرکوب شد
 گناه کارگران چیست که خود و خانواده شان اینگونه مورد یورش نیروهای سرکوبگر رژیم قرار گرفتند؟
 کارگران از صبح روز ۱۳۸۵/۵/۲۸ در اعتراض به اخراج کارگران بویژه اخراج یکی از نمایندگانشان به جرم دفاع از منافع کارگران و تلاش برای ایجاد تشکل مستقل کارگری، در اعتراض به نبود تامین شغلی، تحمیل قراردادهای موقت شش، سه و یکماهه با گرفتن سفته تضمینی دومیلیون تومانی و تحمیل شرایط کاری برده و اربکارگران، و به خاطر درخواست تمدید قرارداد یکساله دسته جمعی با دستمزد روزانه ۶۰۰۰ هزار تومان و... از نقطه نظر کارفرما و دولت گناه کبیره این کارگران زحمتکش بوده است. کارگرانی که بعد از نا امید شدن از وعده و وعیدهای کارفرما و عدم رسیدگی از سوی اداره کار دست به اعتصاب و تحسن زده بودند. تا بلکه گوش شنوایی یافته و حق و حقوق خود را بازپس گیرند. اما طبق معمول باتوم و گازاشک اور دریافت کردند.

ادامه در صفحه ۳

آقای گنجی چندی پیش در برنامه میزگردی در صدای آمریکا شما میهمان این برنامه بودید خیلی سعی کردم که جلوی خودم را بگیرم تا با این برنامه تماس نگیرم. زیرا می دانستم اگر هم تماس بگیرم از ترس اینکه تلفن رد یابی شود نمی توانم تمامی مسائل خود و سوالات را مطرح کنم. و دچار خودسانسوری خواهم شد.
 اما مگر میشد با شما صحبت نکرد و انتقادهای سوالات و ایرادها را بیان نکرد مگر میتوان تحمل کرد تا شما خود را به عنوان سخنگو و نماد زندانی سیاسی مطرح نموده و ادعای سخنگوی آنان را در آورید.
 آقای گنجی سخنان و سوالات خود را به چند بخش تقسیم نموده و هر بخش را توضیح خواهم داد.
ابتدای زندانی سیاسی.

موج تروریسم جنسی در عراق

در پس ماجرای تجاوز و قتل یک دختر عراقی و خانواده اش، حکایت بزرگتری وجود دارد از آنچه در عراق "آزاد شده" تحت حاکمیت بوش بر سر زنان عراقی می آید.
 ابوغریب، حدیثه و گوانتانامو. این کلمات، مایه ی شرمساری کشور ما هستند. حالا باید محمودیه، شهری در ۲۰ مایلی جنوب بغداد را هم به اینها اضافه کرد. ماه مارس گذشته، شایع شد که گروهی پنج نفری از سربازان آمریکایی در تجاوز و قتل ابیر قسیم حمزه، دختر جوان عراقی، شرکت داشته اند. سپس بدنش را آتش زده بودند تا جنایتشان را مخفی کنند. پدر، مادر و خواهرش به قتل رسیدند. تجاوز به این دختر، در صورتی که صحت آن ثابت شود، احتمالاً رویدادی منحصر به فرد نیست. ولی چگونه باید می دانستیم؟ تجاوز در عراق، یک تابو است. اقوام این دختر، شرمزده از تجاوز، حتی مراسم تشییع جنازه ی عمومی نیز برایش برپا نکردند، میلی به نشان دادن دهنش هم نداشتند.

ادامه در صفحه ۳

دروغ پردازی، بیماری روانی یا طبقاتی

مالیخولیا، بیماری روانی خطرناکی است که، مبتلایان به آن خیالاتی می شوند، خطر تراشی می کنند و از همه و هر چیز می ترسند. گاهی چنان سخت و شدید می گردد که، بیمار از ترس به خودکشی مبادرت می کنند. این بیماری، جنونی است که، باعث تباهی و زایل شدن عقل می گردد. بروز این بیماری در سنین پیری، باعث ضعف حافظه، تشدید عناد، سرکشی و بی توجهی به وظائف انسانی و از همه بدتر، دروغ پردازی می شود.

ادامه در صفحه ۴

زندانی سیاسی در کشور ما به دو دسته تقسیم می شود زندانی سیاسی سابق و کنونی. این بدان معنا نیست که بخواهیم از درد ورنج زندانیان کنونی بکاهیم اما باید در نظر داشت که در دهه شصت رژیم اسلامی در تلاش بود که یک انقلاب را سرکوب کند و توده های هنوز در خیابان مانده را مرعوب و وادار نماید تا به خانه ها برگردند. به همین دلیل با وحشیانه ترین روشها خشونت به خرج می داد و شاهد بدترین اعمال از جانب حکومت بودیم که می توان بصورت اماری و سریع بسیاری از این اعمال را نام برد. از قبیل به تخت بستن و کابل زدن، دستبند قیانی های طولانی مدت، به صلیب کشیدن. افرادی های طولانی مدت و تجاوز به دختران قبل از اعدام آنها و فرستادن به سگ دانی و گاوداری. قبرها و..... و به راه انداختن دسته هایی از توابعین برای شکنجه، هم چون دسته بهراد نظامی و علی سلاح تحت مدیریت امثال لاجوردی و حاج داوود و صبحی، روسای وقت زندانها.
 این بدان معنا نیست که در زندانهای کنونی این اعمال انجام نمی شود؛ بلکه من و شما به خوبی می دانیم که جمهوری اسلامی هیچ گونه تغییری نکرده است، بلکه درنده خویی خود را حفظ نموده و برای بقا خود از هیچ کاری دریغ نخواهد کرد. حتی آتش گشودن به روی مردم بی دفاع که در خاتون آباد و قزوین و اسلام شهر شاهد آن بوده ایم.. اما بدین معناست که در زندانهای کنونی زندانیان از نظر رژیم به دسته هایی از قبیل برانداز فرمیست و خودی و غیر خودی و مشهور و گمنام و یا... تقسیم شده و همین تقسیم در چگونگی بر خورد با آنها نقش به سزایی خواهد داشت

ادامه در صفحه ۲

گنجی چه می گوید و چه می خواهد.

بقول آقای باطبی: شما نیک می دانید که بر بسیاری از زندانیان گمنام چه رفته و خود می دانید چه شکنجه های روحی و جسمی شدیدی به آنها روا داشته اند. وجه بسیاری نیز از فرزندان این مرز و بوم که به جرم عدالت خواهی و به گناه عدم اشتها حتی در زیر بدترین شکنجه ها شهید شده اند.

شما بنگرید که منصور اصائلو که یک فعال صنفی است و بارها اعلام نموده که درد او گرسنگی کارگران وبالطبع خودش است را در زندان زبان می برند، اما شما که حتی در زندان نوک حمله را به رهبر گرفته اید زبان در دهان همچنان پاسبان سر است!

آقای گنجی بارها از خود پرسیده ام که ما حتی برای یک نامه دو خطی به خانواده هایمان ماه ها و حتی سالها منتظر می ماندیم و اکنون بعضی از زندانیان چگونه از زندان به کوفی عنان نامه می نویسند؟ ما، یا بهتر است بگویم بسیاری از ما همچون علی رضا شکوهی، پنجه هایش خرد می شود که حتی نای گرفتن قاشق روحی زندان را ندارد ولی بعضی از زندانیان کنونی با سر انگشتان ظریف خود شماره موبایل خود را می گیرند و با خانه و هر جا هر روزه تماس می گیرند. من مطمئن هستم که جمهوری اسلامی هیچ تغییری نداشته اما شاید بعضی چیزها به او تحمیل شده است؛ اگر چنین است پس چرا همه از این امکان بی بهره هستند؟ از زندان بگذریم.

بیا بید زندانی سابق و آزاد شده را در جامعه کنونی بنگریم. زندانی سابق که از زندانهای رژیم آزاد شده اند نیز هنوز در جامعه تحت فشارهای روحی بسیار هستند. اینان از هیچ گونه حقوق شهروندی بر خوردار نیستند هیچ جا امکان کار ندارند هر از چند گاهی مجبور به انجام کاری هستند، تازه آن هم بصورت کوتاه مدت. هیچ شرکت، اداره و کارخانه ای اعم از خصوصی و دولتی آنها را استخدام نمی کند اگر هم راه پیدا کنند خیلی سریع آنها را اخراج می نمایند. خیلی زودتر از آنکه بتوانند آب گرمی در روده های فرزندان خود تزریق نمایند. در بدری و آوارگی مخصوصا برای زندانیان شهرستانی بیشتر است. البته هستند کسانی نیز از آنها که خانواده ایشان امکاناتی داشته و آنها توانسته اند از این امکانات بهره برده و خودرو یا مغازه ای تهیه نمایند. اما چپها که من از آن خانواده هستم اکثرا بدلیل اینکه جزو اقشار فرو دست جامعه و کارگری و زحمتکشان بوده اند چنین امکانی نداشته اند.

اینجاست که تفاوتی عظیم بین زندانیان سابق داخل و خارج معلوم می شود. اینجاست که آنها بدترین خاطرات خود را زمان زندان می دانند. در حالی که زندانیان سابق در داخل بعثت زجرها و آزارهای موجود در این زندان بزرگ خطه ایران آن ایام را علی رغم تمامی زجرها و انفرادی ها و دلهره ها و... باز هم بهترین ایام زندگی خود می پندارند.

از مسئله زندانیان چه در داخل زندان و چه در خارج از آن بگذریم. آقای گنجی برای من سوال است که چگونه بسیاری از زندانیان سابق هنوز ممنوع خروج هستند اما شما در فردای پس از آزادی براحتی پاسپورت خود را تمدید و از کشور خارج می شوید؟

آقای گنجی با این سوال نمی خواهم به شما انگیزه زده باشم اما ساده ترین فکر اینست که رژیم در این شرایط با خروج شما موافقت نموده تا بسیاری از مسائل داخل و خارج را تحت شعاع قرار داده و اذهان عمومی را منحرف نماید. یاد می آید که یکی از بحثهای درون زندان این بود که از هر کاری که رژیم بتواند از آن بهره برداری سیاسی نماید باید پرهیز نمود. آیا شما به این نظر معتقد نیستید؟

آیا شما به این مسئله فکر نکرده اید که با این راحتی خروج از کشور دادن امتیازی است که در برابر آن امتیازات بیشتری برای خود کسب نمایند؟ یا شاید فکر نموده اید که می توانید این را به نفع مردم با افشای نام زندانیان گمنام و چگونگی بر خوردهای زندانبانان و شکنجه

های اعمالی بر آنها تغییر دهید؟ اما دریغ از کلامی. آقای گنجی! در اوایل دوم خرداد از زبان شما و رهبر اصلاحات؛ سید خندان، شنیدیم که پروژه اصلاحات می خواهد مخالف را به منتقد و منتقد را به موافق تبدیل کند. این پروژه که همانا پروژه تحمیل توده هاست و هنوز هم شما در جهت اجرای آن قدم بر میدارید می باشد. شما و من هر دو معتقدیم که اصلاحات شکست خورده و جسد متعفن آن نیز دفن گردیده است هر چند که از همان ابتدا نیروهای اصولی موضعی درست گرفته و اعلام نمودند که این رژیم قابل اصلاح نیست و این فریبی بیش نخواهد بود و همانطور که خامنه ای بارها اعلام نمود که خاتمی نعمتی بود برای حکومت و انقلاب و به همین دلیل هست که بدستور خامنه ای هنوز هم دولت خاتمی علی رغم اینکه یکسال است جای خود را به دولتی دیگر سپرده است مانند دولتی در سایه عمل نموده و اعضای هیئت دولت وی هر ماهه تشکیل جلسه می دهند و خود را آماده نگه داشته اند تا عندالزوم به میدان بیایند.

آقای گنجی شما گفتید که به پاسدار بودن و شرکت در میدانهای جنگ موجود در کشور افتخار می کنید

شما نگفتید که در این میدانهای جنگ که در کردستان نیز مهیا بود دستتان به خون فرزندان این مرز و بوم چقدر آلوده است؟

شما هنوز از خمینی جلاد ایران که بسیاری از جنایات از جمله کشتار و نسل کشی انقلابیون در دهه شصت و بخصوص سال ۶۷ و تجاوز به دختران زندانی قبل از اعدام آنها، به فتوا و دستور مستقیم او صورت گرفت به نیکی یاد می کنید و از او به نام امام راحل نام می برید.

یادتان می آید آقای جلالی پور هم فکر و هم رزم شما وقتی در خارج از کشور مورد سوال قرار گرفت که امضای وی زیر حکم اعدام ۲۵۰ نفر از فرزندان صدیق کردستان است نامبرده اعلام نمود که امضای وی فقط زیر لیست ۵۰ نفر است؟ وی گمان می کرد که اگر تعداد کمتر باشد از جرم وی در پیشگاه مردم خواهد کاست؟

اما او حداقل به یکی از جرایم خود معترف شد و شما سالهای پیشین خود را همیشه در ابهام نگه داشته و هیچ گونه انتقادی به خود نسبت به عملکردتان در آن سالها ننموده اید. شما قلم خود را تقدیم به حجاریان که یکی از موثرترین افراد در تشکیل و اوایک وزارت اطلاعات و امنیت کشور بود نموده و هیچ گاه از دسته های شکار و تورهایی که وی در دهه شصت برای شکار بهترین فرزندان این مرز و بوم نموده انتقاد نکرده اید.

در آخر دو سوال دیگر: شما اعلام می نمایید که خواهان یک جمهوری تمام عیار هستید و برای رسیدن به این اتوپیای خیالی خود مطرح می نمایید که اصلاح از درون ممکن نیست و انقلاب را هم رد می کنید اما مطرح نمی نمایید از چه راهی و چه گونه این میسر می شود؟ شاید نگارنده خیال می کند که طرح شما خیالی است و شما به نیروهای دول قدرتمند دل بسته اید و شجاعت و صداقت بیان آن را ندارید و یا این نیز جزء همان پروژه تحمیل توده هاست؟

آقای گنجی شما در یکی از سخن رانی هایتان فرمودید که «هر کسی ظلم و جنایت را ببیند و سکوت نماید باید حداقل به وجدان خود پاسخ بدهد» اینک این سوال را از شما دارم. شما که در دهه شصت و بخصوص سال ۶۷ در راس امور یا بهتر است بگویم در سپاه بوده اید و از نزدیک شاهد بسیاری از ظلمها و جنایات علیه یک نسل بوده اید و تمامی امران و عاملان این جنایات را می شناسید آیا سکوت نکرده و برای خالی نبودن عریضه کلی گویی نموده اید؟ انهم فقط گاهی اوقات؟ کی می خواهید سکوت خود را بشکنید و به وجدانتان پاسخگو باشید و اسامی امران و عاملان این جنایات بی شمار را در حد اطلاعات خود اعلام نمایید؟

اعتصاب و تحصن کارگران ریسندگی پریس سنندج به شدت سرکوب شد

موج تروریسم جنسی در عراق

اما برغم اقدامات سرکوبگرانه رژیم کارگران پریس سنندج مصمم اند تا رسیدن به خواسته هایشان از پای ننشسته و به مبارزه شان ادامه دهند .
اعتصاب از ۲۸ مرداد آغاز شده است

۵۷ نفر از کارگران کارخانه ریسندگی " پریس " سنندج در اعتراض به وضعیت کاری خود و نبود امنیت شغلی از ۲۸ مرداد ماه تا کنون در مقابل درب کارخانه اعتصاب می کنند و این در حالی است که هیچ یک از مسئولان پاسخگوی این وضعیت نیستند.

به گزارش ایلنا، یکی از نمایندگان کارگران این کارخانه گفت: از اسفند ۸۴ زمانی که مصوبه افزایش دستمزد کارگران اعلام شد، کارفرمای کارخانه به دلیل ناتوانی در افزایش دستمزد کارگران اقدام به اخراج ۱۵ تا ۲۰ تن از کارگران کرد تا دستمزد مابقی کارگران را افزایش دهد در این میان کارگران در ۴ شیفت کاری فعالیت می کردند تا اخراج نشوند.

"بهزاد سهرابی" گفت: این طرح تا پایان خرداد ماه سال ۸۵ مورد تایید کارفرما قرار گرفت ولی از آن به بعد اقدام به بستن قراردادهای موقت کرده و قراردادهای را از یک سال به ۶، ۳ و یک ماهه تقلیل داد .

وی تصریح کرد: کارگران ظرف روزهای ۳۱ خرداد تا اول تیرماه با برپایی اعتصاب از این طرح ها جلوگیری کردند تا قراردادهای ۲ ماهه تغییر یافت در این راستا در تاریخ ۲۰ تیر اعلام شد که به دستور کارفرما، "بهزاد سهرابی" به دلیل ایجاد تشکل کارگری اخراج شده است.

او ادامه داد : ۵۳ نفر از کارگران این کارخانه با امضاء طوماری ضمن اعلام حمایت از بنده به عملکرد کارفرما اعتراض کردند اما چون هیچ اقدام موثری صورت نگرفت، مجدداً مرداد ۲۸ مقابل درب کارخانه تحصن کردند .

وی بیان داشت: از جمله خواسته های تحصن کنندگان؛ عدم اخراج پرسنل کارخانه از جمله بهزاد سهرابی، انعقاد قراردادهای یکسال و پیمان دسته جمعی و تعیین دستمزد بر اساس روزی ۶ هزار تومان می باشد .

رحمت سهرابی یکی دیگر از کارگران گفت: کارفرما اصرار دارد که به هیچ وجه قرار داد بهزاد سهرابی تمدید نشود و هر کارگری که از او حمایت کند بلافاصله اخراج خواهد شد و تمدید قرار داد کارگران دیگر نیز منوط به تصمیم کارفرما از یک ماه تا یکسال خواهد بود و در صورت تمدید قرار داد از کارگران سفته ۲ میلیون تومانی دریافت خواهد شد .
وی گفت: هیچ مسوولی در این خصوص پاسخگو نیست و همه حق را به کارفرمای کارخانه می دهند .

آنان همچنین اعلام داشتند: بر خواسته های خود از جمله عدم اخراج بهزاد سهرابی تاکید داشته و به تجمع و اعتصاب خود تا احقاق حق ادامه خواهند داد.

خبرنگار ما ضمن مراجعه به سازمان کار و امور اجتماعی به منظور بیان دیدگاههای مسوولین سازمان کار در خصوص کارگران این کارخانه و پیگیری امور اعلام کرد: مسوول روابط کار و حراست این سازمان هیچ گونه پاسخ قانع کننده ای نداد.

زنان عراقی نیز مانند زنان هر جای دیگر، همواره در خطر تجاوز بوده اند. ولی از زمان تهاجم آمریکا به کشورشان ، حوادث گزارش شده از ارباب(تروریسم) جنسی به طور شاخصی رو به فزونی گذاشته ، حتی با وجود این واقعیت که زنان عراقی از ترس بی ابرو شدن خانواده ها یشان ، نسبت به گزارش موارد تجاوز چه به ماموران عراقی چه به نیروهای اشغالگر ، رغبت نشان نمی دهند . در مناطق روستایی ، زنان قربانی تجاوز ، در معرض قتل های ناموسی نیز قرار دارند ؛ اقوام مردشان برای بازگرداندن شرافت خانواده ، آنها را به قتل می رسانند. عفو بین الملل (۱) در گزارشی در سال ۲۰۰۵ چنین اعلام کرد : " لکه ننگی که به جای مرتکبین جرایم جنسی ، پیوسته یا قربانیان آن ، عجزین شده است ، زنان عراقی را نسبت به گزارش آزارهایی از این دست، بی دل و جرات کرده است."

با این وجود ، مورد (اخیر) تجاوز به دختر عراقی ، نمادی شده است از هتک حرمت به ناموس عراق تحت حاکمیت بوش . نخست وزیر ، نوری المالکی (۲) ، بازجویی درمورد جنایت را آغاز کرده است. در نهادی که معمولاً معذرت خواهی ، معنایی ندارد ، سفیر آمریکا (۳)، زلمای خلیل زاد و فرمانده ی کل نیروهای آمریکا در عراق ، ژنرال جرج کیسی ، هر دو صراحتاً معذرت خواهی کرده اند. انجمن پژوهشگران مسلمان (۴) در عراق در محکومیتی قاطعانه ، این جنایت را تقبیح نمود: " این عمل ؛ تجاوز به دختر گرفته ، قتل او و سوزاندن جسد و کشتن خانواده اش که توسط سربازان اشغال گر انجام شده ، موجب شرم بشریت است."

بله ، شرم ، ولی این کافی نیست . حالا دیگر تجاوز از نظر دادگاه جنایی بین الملل ، جرم (جنایت) جنگی محسوب می شود .

ولی همیشه اینگونه نبوده است. دیر زمانی سربازان به زنان به عنوان غنیمت های جنگ می -نگریستند ، حتی وقتی رهبران مدنی (۴) و نظامی ، چنین رفتاری را محکوم می کردند ، سرانجام در اوایل ۱۹۹۰ ، اجماعی بین المللی درمورد تجاوز ، شکل گرفت. در سال ۱۹۹۳ ، اجلاس عمومی سازمان ملل ، تحت تاثیر تحرکات جنبش جهانی زنان ، بیانه ی کاهش خشونت علیه زنان (۵) را تصویب کرد. قانون الحاقی در دادگاه های جنایی بین الملل درمورد یوگوسلاوی سابق و رواندا ، همچنین قانون رم برای دادگاه جنایی بین الملل (۶) در جولای ۲۰۰۲ ، همگی تجاوز را به عنوان جنایتی علیه انسانیت یا جنایت جنگی تعریف کردند.

هیچ کس سربازان آمریکا را برای راندن در خیابانهای عراق ، برای تجاوز به زنان به عنوان ابزاری (تاکتیکی) جنگی علیه شورشیان، متهم نمی کند (اگرچه چنین حرکتی باعث شد که برای نخستین بار در تاریخ ، سه سرباز بوسنیایی (۷) به جرم تجاوز ، به عنوان جنایتکار جنگی شناخته شوند).

پیامدهای تهاجم و اشغال عراق ، زنان عراقی را همچنان از راههایی مورد آزار و خطر و تهدید قرار می دهد که هنوز به طور گسترده در رسانه ها عام نشده اند: زندانی هایی که توسط آمریکایی ها به دویدن واداشته می شوند ، مورد آزار جنسی و تجاوز قرار می گیرند ، شهروندانی که ربوده می شوند ، مورد تجاوز قرار می گیرند و گاهی برای روسپی گری فروخته می شوند ، و زنانی که زنان آزادتری نسبت به جهان عرب بوده اند، هرچه بیشتر از زندگی اجتماعی حذف می شوند ، بسیاری خود را در خانه هاشان محبوس می کنند.

آمریکایی "تفنگ لیزریش را مستقیم به سوی قفسه ی سینه ام نشانه رفت... سپس به آلت تناسلیش اشاره کرد. به من گفت "بیا این جا ، {...} . می خواهم تو را {...}"

لوک هاردین از گاردین ، در گزارشی از بغداد می نویسد در ابوغریب ، خبرنگاران از صحبت با زندانیان زن که در سلولهای تنگ بی پنجره در حبسند ، منع شده اند . هرچند ماموران ارشد ارتش آمریکا که خبرنگاران را در اطراف ابوغریب ، همراهی می کردند ، اذعان داشتند که تجاوز به زنان در محوطه ی سلولهایی صورت گرفته بوده که ۱۹ زندانی مرد "با ارزش" هم آنجا نگهداری می شدند. در جواب اینکه چگونه چنین آزارهایی می توانسته رخ داده باشد ، کلنل دیو کانتوک که اینک مسئول آسایش زندانی هاست گفت من نمی دانم . مربوط به سرپرستی است که ظاهرا آنجا وجود نداشته. هیچ کس نبایستی از اینکه در زندان ابوغریب ، زنان زندانی هم مانند مردان در معرض آزار جنسی بوده اند ، تعجب کند. به عکسهایی که به تازگی از آن زندان دیده ایم ، فکر کنید. اگر از اقدامات توهین آمیز دستوری برای "مقر آمدن" مردان ، استفاده می شده ، پس تجاوز به زنان نیز غیر قابل تصور نیست.

ولی چطور می شود اطمینان یافت؟ در ژانویه ۲۰۰۴ ، ژنرال ریکاردو سانچز ، مامور ارشد نظامی آمریکا در عراق ، به ژنرال آنتونیو تاگوبا فرمان داد در مورد شایعات فراگیر نقض حقوق بشر در ابوغریب تحقیق به عمل آورد. گزارش تاگوبا (۱۲) این را تایید می کند که دست کم در یک مورد ، پلیس ارتش آمریکا دست کم به یک زندانی زن تجاوز کرده و نیز نگاهبان ها از زنان زندانی عریان ، فیلم و عکس گرفته بوده اند. سیمور هرش (۱۳) نیز در شماره ی ۲۰۰۴ مجله ی نیویورکر گزارش داد که این عکس ها و فیلم های محرمانه که بیشترشان در ضبط پنتاگون هستند ، سربازان آمریکایی را نشان می دهند که "با یک زندانی زن عراقی سکس می کنند." عکسهای دیگری به این وب سایتها (۱۴) Afterdowningstreet.org و (۱۵) Salon.com راه پیدا کرده اند. در یک عکس، زنی پیرانش را بالا می برد و سینه هایش را عریان می کند، لابد به این دلیل که به او دستور داده شده بوده است.

دسته ی کامل عکس ها و فیلم ها ، چیزهای بیشتری برای گفتن دارند. اعضای کنگره که همه ی این عکسها و فیلمهای ابوغریب را مشاهده کردند ، از آنچه دیدند ، عمیقاً متاثر (۱۶) و بدحال به نظر می آمدند. رهبر اکثریت سنا، بیل فرست آر-تن ، آنها را "هول آور" خواند ، رهبر اقلیت سنا ، تام داسل ، آنها را "وحشتناک" توصیف کرد. از آوریل ۲۰۰۴ که این رسوایی ، فراگیر شد ، گروههای حقوق بشر و آزادی های مدنی، درگیر منازعه ای قانونی با دفتر وزارت دفاع بوده اند و تقاضای انتشار باقی اسناد تصویری را داشته اند . تنها وقتی آن اسناد در اختیار عموم قرار بگیرد ، ما تصویر واضح تر - و بی شک دهشتناک تری- از رفتارهای جنسی تحمیل شده بر زنان و مردان زندانی ، خواهیم داشت.

- ارباب (تروریسم) جنسی در خیابان ها از طرفی آشوب جنگ در بیرون دیوارهای زندان ، منجر به آدم دزدی و تجاوز به زنان شده است . دیده بان حقوق بشر در جولای ۲۰۰۳ ، پس از مصاحبه با قربانیان تجاوز و آدم دزدی (؟) و نیز شاهدان عینی ، پلیس عراق و کارشناسان سلامتی و پلیس ارتش آمریکا و ماموران امور شهری (؟) ، گزارشی ارائه داد با عنوان "هوای جنگ (۱۷) : آدم ربایی و خشونت جنسی علیه زنان و دختران بغداد". تنها چند ماه پس از سقوط بغداد به دست نیروهای آمریکایی ، از ۲۵ مورد آدم ربایی و خشونت جنسی علیه زنان عراقی ، خبر رسید . جای تعجب نبود

- تجاوز و توهین (تحقیر) جنسی در زندان ها رسوایی آزار زندانیان در ابوغریب بر شکنجه ، آزار جنسی و توهین به مردان عراقی متمرکز بود. منابع متعددی عنوان کرده اند که زندانیان زن نیز از رفتارهای مشابهی از جمله تجاوز ، رنج می برند. احتمالاً آمریکایی های اندکی خبر داشته باشند که زنانی نیز در زندان های آمریکایی ابوغریب بوده اند. بعضی به دلایل سیاسی توسط آمریکایی ها دستگیر شدند - به این دلیل که از اقوام رهبران بعث بودند یا نیروهای اشغالگر می خواستند به عنوان طعمه از آنها استفاده کنند که بستگان مردشان و ادار شوند شورشیان را لو بدهند یا خودشان را تسلیم کنند.

بر اساس گزارشی از دیده بان حقوق بشر (۸) ، محرمانه ماندن زنان زندانی "ناشی از توافق ناگفته ای میان خانواده ها و نیروهای اشغالگر" بوده است. خانواده ها از ننگی که در جامعه منتظرشان بود در هراس بودند و نیروهای اشغالگر نیز از محکومیت توسط گروههای حقوق بشر و خشم عراقی هایی که شاهد چنین رفتارهای اهانت باری از سوی بیگانگان نسبت به زنان عراقی بوده اند.

بعضی زندانیان زن ، پس از آزاد شدن از اسارت ، به شرط ناشناس ماندن و با وجود ترس عظیمی که داشتند با کارکنان حقوق بشر صحبت کردند. آنها از کتک ها ، شکنجه ها و انفرادی ها تعریف کرده اند (۹). آنها نیز ، مانند مردان هم ردیفشان ، از توهین ها و تحقیرهای جنسی که در زندان های آمریکایی دیده بودند ، به عنوان گزنده ترین و تلخ ترین اتفاق ، یاد می کردند. تقریباً همه ی زندانیان زن از تهدید شدن به تجاوز گزارش دادند. بعضی زنان ، برهنه بازرسی می شده اند و در معرض تحقیرها و اشاره های توهین آمیز سربازان قرار می گرفته اند.

گاردین بریتانیا (۱۰) از زندانی زنی گزارش داد که توانسته بود به هر ترتیبی ، دستخطی را به بیرون از ابوغریب بفرستد ، که در آن ادعا کرده بود که گاردهای آمریکایی به تعداد اندک زنان زندانی تجاوز کرده بودند و برخی هم آن زمان باردار بودند ، او مصرانه از مقاومت عراقی خواسته بود زندان را بمباران کنند تا زنان را از خفت بیشتر برهانند.

امل خدام سعادی ، یکی از هفت زن وکیل عراقی است که سعی دارند نماینده ی زنان زندانی باشند، وی به گاردین گفته است تنها یک زن را یافته که حاضر شده بود درباره ی تجاوز حرف بزند. "گریه می کرد . به ما گفت چندین سرباز آمریکایی به وی تجاوز کردند. تلاش کرده بوده مقاومت کند ولی آنها به بازویش صدمه زده بودند. جای بخیه ها را نشانمان داد. گفت "ما شوهردار و دختردار هستیم. محض رضای خدا راجع به این به کسی چیزی نگوئید." پروفیسور هدا شاکر (۱۱)، دانشمند سیاسی در دانشگاه بغداد ، نیز به گاردین گفت که زنان در ابوغریب مورد آزار و تجاوز جنسی قرار گرفته اند. او به طور مشخص به زنی اشاره کرد که توسط پلیس ارتش آمریکا مورد تجاوز قرار گرفته بود ، باردار شده بود و سپس ناپدید شده بود.

پروفیسور شاکر اضافه کرد " یکی از همکاران زن من را دستگیر کردند و به آنجا بردند . پس از آزاد شدنش ، وقتی از او راجع به آنچه در ابوغریب رخ داده بود ، پرسیدم ، شروع به گریستن کرد. در اینجا زنها از صحبت درباره ی چنین موضوعاتی شرم و هراس دارند . می گویند همه چیز خوب است. حتی در یک جامعه ی پیشرفته ی غربی هم صحبت در مورد تجاوز ، سخت است." شاکر ، خودش نیز تجربه ی سبک تری از آزار جنسی به دست یک سرباز آمریکایی داشته است. در یک ایستگاه بازرسی ، سربازی

و موصل در شمال فرستاده می شود، پس از اینکه به بغداد بازگردانده می شود، به او قرص های مخدر می خوراند، کمربند انتحاری اش می بندند و او را برای منفجر کردن دفتر روحانیون مسیحی (۴) در خدامیه می فرستند که او خودش را به پلیس تحویل می دهد. قاضی به خاطر خود او "هفت سال زندان برایش برید تا جانش از گزند آن باند در امان بماند."

بنت گزارش داد که خانواده ها و دادگاه ها، معمولن چنان از ناپدید شدن یک دختر { و لابد مورد تجاوز قرار گرفتند } شرمزده اند که چنین آدم ربایی هایی را اطلاع نمی دهند. و حاصل این ننگ داشتن از بی ابرویی، گاه چنان می شود که حتی اگر قرار است دختر، بازگردانده شود، خانواده اش هیچ گاه او را نمی پذیرند.

- زنانی که ناپدید می شوند

زنان عراقی بی شماری، برای احتراز از چنین خطراتی، خود را در خانه هایشان حبس کرده اند. مارجوری لاسکی، تاریخ نگار، در گزارش ۲۰۰۶ خود برای کدپینک (Codepink) که یک سازمان زنان ضد جنگ است، این موقعیت را چنین توصیف می کند "زنان عراقی در محاصره (حصار)". او اشاره می کند که پیش از جنگ، بسیاری زنان تحصیل کرده ی عراقی، به کار تمام وقت مشغول بودند و حضوری مداوم در عرصه ی اجتماعی داشتند. اکنون خیلی از آنها به ندرت از خانه بیرون می روند. از ربوده شدن و تجاوز می ترسند، از ماندن میان تبادل آتش شورشی ها و امریکایی ها وحشت دارند، از انتقام جویی های قومی می ترسند و از نظامیان مسلمان که اگر آنها "پوشش کاملی نداشته باشند، کتکشان می زنند یا تهدید شان می کنند، در هراسند.

تری جود (۲۱) از ایندپندنت (Independent) بریتانیا چنین گزارش می دهد: "در جنوب تحت اشغال بریتانیا که ارتش مهدی مقتدا الصدر، قدرت دارد، زنان (۲۲) با بدترین شرایط مواجهند. آنها مجبورند پشت درهای بسته زندگی کنند و تنها زمانی رویت شوند که با چادر، پوشیده شده باشند، پشت شوهرها و پدرهایشان پنهان باشند. حتی پوشیدن شلوار هم می تواند مجازاتی برابر مرگ در پی بیاورد."

زنان نامرئی؛ برای برخی رهبران اسلام اصول گرا، این آرزویی است که دارد محقق می شود. برای مثال، وزیر کشور، اخیرا اطلاعیه هایی صادر کرده که زنان به تنهایی بیرون نروند. صالح علی، مامور ارشد وزارت خانه، می گوید "اینجا یک کشور مسلمان است و هر حمله ای به عفت زن مسلمان، حمله به عقاید مذهبی ما نیز هست." رهبران مذهبی سنی و شیعه در وعظ های خود در مساجد می گویند مردان را متقاعد سازند که زنان را در خانه به کار گیرند. شیخ صالح موددین (۴)، امام مسجد بغداد می گوید "این حوادث آزار و اذیت، تنها آنچه را که ما مدتهاست می گوئیم ثابت می کنند" این تکلیف اسلامی زنان است که در خانه هایشان بمانند و به جای اینکه دنبال کار بگردند از شوهرها و فرزندان شان مراقبت کنند به ویژه در وضعیت ناامن کنونی."

در اوایل ۱۹۷۰، مدافعین حقوق زنان امریکایی، در تعریف تجاوز بازنگری کردند و آنرا به عنوان عملی نه از روی میل جنسی که اشتیاقی برای اعمال قدرت بر شخص دیگری مطرح نمودند. تجاوز از دیدگاه آنها عملی رعب آور (تروریستی) است که زنان را از احقاق حقوقشان در عرصه ی عمومی باز می دارد. این دقیقا چیزی است که از زمان حمله ی امریکا به عراق، بر سر زنان عراقی آمده است. ارعاب (تروریسم)

وقتی در گزارش اعلام شد "ماموران پلیس برای خبرهای حاکی از آدم ربایی و خشونت جنسی، اهمیت ناچیزی قائلند، و قربانیان خشونت جنسی، مورد تبعیض و جنسیت گرایی عوامل اجرای قانون عراق، قرار دارند." از آن زمان، همان طور که آشوب و خشونت و خون ریزی بالا می گیرد، اوضاع بدتر شده است.

پس از تهاجم امریکا، باندهای محلی شروع کرده اند به تاخت و تاز در بغداد، دخترها و زن ها را از خیابانها می دزدند. مصاحبه ها با بازرسان حقوق بشر، داستانهای وحشت آوری با خود دارد. به خصوص داستان دختر ۹ ساله ای به نام صبا. الف که از پلکان ساختمان محل زندگیش ربوده شد به ساختمان دورافتاده ای در آن حوالی برده شد و مورد تجاوز قرار گرفت. یک دوست خانوادگی که صبا را بلافاصله پس از تجاوز دیده بود، به دیده بان حقوق بشر گفت:

"روی پلکان نشسته بود، این جا، ساعت ۴ بعد از ظهر. به نظرم آمد که کسی با تفنگ به پشت سرش کوبید و او را داخل ساختمان {در همان نزدیکی} کشید. ۱۵ دقیقه بعد در حالیکه خونریزی داشت {از محل واژن} بازگشت. {دو روز بعد هنوز خونریزی داشت که} ما او را به بیمارستان بردیم."

دکتر ارتش امریکا که صبا. الف را معاینه کرد در گزارش پزشکی خود نوشت "کوفتگی آشکار در ناحیه ی واژن، پارگی در ناحیه ی واژن و پرده ی بکارت پاره شده"

در سال ۲۰۰۵ عفو بین الملل با زنان ربوده شده، مصاحبه کرد. داستان "اسما" مهندس جوان، گویا بود. او با مادر و خواهر و یکی از بستگان مردش، خرید می کرد که شش مرد مسلح او را به زور وارد ماشین کردند و داخل مزرعه ای خارج از شهر شدند. پشت هم به او تجاوز کردند. روز بعد، او را در حوالی خانه اش از ماشین بیرون انداختند.

اخیرا در ژوئن ۲۰۰۶، مایدا زیر (۱۸)، سخن گوی انجمن حقوق زنان که یک سازمان غیردولتی محلی است چنین گزارش داد: "ما شاهد تعداد رو به افزایش زنانی هستیم که در ۴ ماه گذشته مورد آزار جنسی و تجاوز قرار داشته اند، به ویژه در پایتخت (چنین بوده)."

هیچ کس نمی داند چه تعداد از زنان ربوده شده، هرگز بازنگشته اند. چنانکه بازررس پلیس عراق شهادت داد: بعضی باند ها متخصص دزدیدن دختران هستند. آنها را به کشورهای خلیج می فرورسند. چنین چیزی پیش از جنگ هم رخ می داد ولی حالا بدتر شده است، آنها بدون پاسپورت می توانند داخل و خارج شوند. "دیگران در مصاحبه های خود با دیده بان حقوق بشر، نظرشان بر این بود که جابه جا کردن زنان در چنین مقیاسی، پیش از تهاجم (امریکا) وجود نداشته است.

گزارش دفتر دولت فدرال (۴) امریکا در ژوئن ۲۰۰۵ (۱۹) در مورد جا به جا کردن زنان، چنین مطرح می کرد که در شرایط آشوب زده ی کنونی، "بر آورد کردن دقیق معضل عراق، دشوار است" ولی ذکر شده بود که تعداد نامعلومی از زنان و دختران عراقی جهت بهره کشی جنسی به یمن، سوریه، اردن و کشورهای خلیج فارس، فرستاده شده اند.

برایان بنت (۲۰) می ۲۰۰۶ در مجله ی تایم نوشت که دیدارش با "زندان زنان خدامیه در بخش شمالی بغداد، بی درنگ با حکایت های چندی از ربوده شدن و رها شدن زنان و دختران، همراه می شده است. دختر ۱۸ ساله ی بسیار جذابی به اسم مستعار امنا، که موهای سیاهش را پشت سرش بسته بود، می گوید به محض تهاجم امریکا، توسط باند مسلحی از تیم خانه ربوده و به فاحشه خانه هایی در سامرا، القیم در مرز سوریه

زنده باد سوسیالیسم

موج تروریسم جنسی در عراق

جنسی که با تعصبات مذهبی، مضاعف شده، زنان را از حقوق شان در عرصه ی عمومی زندگی محروم می کند.

این گوشه ای پنهان از رنج بی دلیل ناشی از پیامدهای تحمیلی حمله به عراق است.؛ در عراق تحت حاکمیت بوش، به نام صدور "دموکراسی" و "جنگ علیه رعب و وحشت"، اخباری می شنویم از انفجارهای هر روزه و شلیک آتش، و در این میان، موجی از ارعاب (تروریسم) جنسی که به ابعاد واقعی اش دسترسی نداریم و کسی هم توجه نمی کند.

نویسنده: (۲۳ Ruth Rosen)

منبع: <http://www.alternet.org/waroniraq/۳۸۹۳۲>

تاریخ انتشار متن: ۱۴ جولای ۲۰۰۶

مترجم: آرزو مختاریان

دروغ پردازی، بیماری روانی یا طبقاتی

سرمایه داری بعد از ارتقاء به مرحله آمپریالیستی خود، دیری است که، وارد دوران پیری خود گشته و در پیرانه سری خود، به نئوفاشیسم جنون آمیزی فراروئیده است و با تکراردائمی دروغهای کلیشه ای، کشف و خشی سازی "توطئه های تروریستی"، دشمن تراشی های بی وقفه و بحران آفرینی های سیستماتیک، درصدد توجیه اقدامات جنایتکارانه ضد بشری و ویرانگریهای بیشمار خود در جامعه جهانی برآمده است. جنایات و اقدامات ویرانگره ای که بلحاظ ابعادش، در تاریخ سرشار از فجایع جامعه بشری، بی نظیر بوده است. از قتل عام سرخپوستان و غصب و تصاحب سرزمین آنها، کشتار سه میلیون ویتنامی و بمباران اتمی ژاپن گرفته تا ویرانی لبنان و کشتار مردم آن بوسیله بمبهای "هوشمند"، یکی بعد از دیگری، مکمل کارنامه سراپا جنایت جناح میلیتاریستی (نئوفاشیستی) امپریالیسم می باشد. دروغگویی و حقیقت جویی، قبل از آنکه یک خصلت اخلاقی باشند، ریشه طبقاتی دارند. طبقه استثمارگر برای توجیه استثمار و غارتگری خود، برای پیشبرد و تحقق اهداف خویش، ملزم به دروغ پردازی است و طبقه استثمار شده، همیشه در جستجوی حقایقی است که، با اتکا به آن حق خویش را احقاق نماید.

دولتهای دروغگویان، با جنگ افروزیهای پیاپی، بمنظور انحراف اذهان عمومی از ابعاد جنایات ارتكابی خود و توجیه ویرانگریها و قتل عامهای گسترده خود، همچون بیماران مالیخولیایی، هر از گاهی، «توطئه تروریستی» تازه ای را «کشف و خشی» می کنند. نکته حائز اهمیت این است که، این بار، «کشف و خشی سازی اقدامات تروریستی» در فرودگاه هیتروی انگلیس، با همکاری کودتاچیان دموکرات، حکام آمریکائی پاکستان، همزمان با فرو ریختن بمبهای خوشه ای توسط نیروهای اسرائیل (آمریکا) بر سر مردم و کشور لبنان مصادف بود. در بهبوهه کشتار قریب هزار و دویست غیر نظامی لبنانی که، حدود یک سوم آنها کودکان دو روزه تا دوازده ساله بودند، «کشف و خشی سازی توطئه تروریستی

در انگلیس قابل درک و تصور بود. زیرا همانطور که، با آغاز حمله به لبنان، جنایات روزمره اشغالگران در عراق رنگ باخت، براه انداختن این هیاهو نیز، برای انحراف نفرت جهانیان از جنایات جنگی اسرائیل (آمریکا) در لبنان ضروری بود.

این «توطئه» درست زمانی "کشف و خشی" شد که، اکثریت بشریت جهان، خواهان تشکیل کمیسیونی برای رسیدگی به جنایات جنگ سالاران نئونازیست در لبنان که، هیچگونه اهمیت نظامی هم نداشت، بودند.

علیرغم اینکه، طراحی چنین اقدامات تروریستی و کشف آنها از طرف نیروهای امنیتی آمریکا و انگلیس، بدور از واقعیت است، بفرض صحت، نتیجه و عکس العمل طبیعی تهاجمات و اعمال جنایتکارانه بیشمار دولتهای این کشورها می تواند باشد.

"کشف این گونه توطئه های خطرناک" که، گویا همیشه آمریکا و انگلیس را تهدید میکند، جنگ افروزیهای پیاپی، اشغال نظامی کشورهای مختلف توسط این دولتها و بطور کلی، اوضاع کنونی جهان، روزه روز بر ضرورت و اهمیت مبارزه متحد مردم جهان در جهت بازسازی سازمان ملل متحد، بویژه شورای امنیت آن، برای خلع سلاح عمومی، در راه برچیدن پایگاههای نظامی و انبارهای تسلیحاتی اسارت آور هر کشوری در کشور دیگر، بمنظور مهار کردن تروریسم ویرانگر و تشکیل ارگانی بین المللی برای کنترل و نظارت بر چاپ دلار آمریکا و برقراری صلح پایدار در جهان، می افزاید.

ا. م. شیزلی

کار کمونیستی

زیر نظر شورای مرکزی سازمان اتحاد فدائیان کمونیست
منتشر میشود.

آدرس پستی نشریه

kar-Co
Box 100 63
400 70
SE-GBG Sweden

فاکس اتحاد فدائیان کمونیست

+۴۶ \ ۳۱۷۷۹۲۵۷۱

سایت سازمان در اینترنت

www.fedayi.org

روابط عمومی webmaster@fedayi.org

شورای مرکزی

centralconcil@fedayi.org

نشریه کار کمونیستی

kar@fedayi.org

کمیته کردستان

kurdistan@fedayi.org

کمیته آذربایجان

azer@fedayi.org

امور پناهندگی

panahjo@fedayi.org

از برنامه سازمان

* نظام سرمایه داری در ایران ، زیر سلطه دیکتاتوری ، اختناق ، تبعیض ، زندان و جوخه های اعدام تکامل یافته است . بورژوازی ایران که زیر حکومت متمرکز و سرکوبگرانه شاه ، از هر گونه تشکل های کارگری ، توده ای و حضور احزاب و جریانات مترقی جلوگیری کرده بود ، خود زمینه ساز حاکمیت جمهوری اسلامی و سیاه ترین استبداد دینی بر مقدرات مردم گردید .

* با شکست انقلاب توده ای ۱۳۵۷ و با روی کار آمدن جمهوری اسلامی ، یکی از ارتجاعی ترین روبنای سیاسی نظام سرمایه داری در تلفیق با مذهب ، حاکم به مقدرات مردم گردید . رژیم جمهوری اسلامی از همان اول آشکارا با آزادی ، مدنیت و دموکراسی به دشمنی برخاست و نزدیک به بیست سال سیاست ، سرکوب ، زندان ، شکنجه ، اعدام و نفی ابتدایی ترین حقوق و آزادیهای فردی و اجتماعی ، تبعیض و آپارتاید جنسی را برنامه خود کرد .

* در ایران اقلیتی محدود از جامعه ، یعنی سرمایه داران با فراغ بال به تشدید استثمار ، احتکار ، زدو بند با مقامات دولتی و اختلاص به ثروت خود افزودند . از سوی دیگر اکثریت عظیم مردم در محرومیت بسر برده و خواست آنها برای آزادی و عدالت اجتماعی و برابری با سرکوب نیروهای دولتی مواجه شده است .

* تسلط بلامنازع طبقه سرمایه دار بر تمامی وسایل و امکانات تولیدی و مبادله ، اعم از اقتصادی ، سیاسی ، فرهنگی ، ایدئولوژیک و نظامی ، مانع بزرگ دخالت مستمر و آزادانه توده های عظیم کارگر و زحمتکش و سازندگی واقعی جامعه بر سرنوشت خویش است .

* هر کارگر و زحمتکش ایران در زندگی روزمره خود وقتی ناگزیر می گردد از حقوق و سطح معیشت خود در مقابل تعرض مداوم استثمارگران دفاع کند ، به آشکارترین وجهی خود را در مقابل دستگاه جبر و ستم و سرکوبی میابد که به ایدئولوژی اسلامی نیز ملبس شده است و در میابد که در نظام سرمایه داری ایران ، دستگاه دولت و تمام ضمایم آن ارگان سیادت و عامل بقا و بازتولید نظم موجودند .

زنده باد سوسیالیسم